

نقش متون و معارف دینی در شکل‌گیری هویت کودکان

فاطمه یوسفوند

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

چکیده

در جهان معاصر که بشر با سیری وصف‌ناپذیر از جامعه صنعتی به فراصنعتی پا نهاده، متاسفانه در بحث هویت و همچنین مباحث اخلاقی و ارزشی سیر قهقرایی پیدا کرده، به طوری که زمینه ظهور و بروز انواع نگرانی‌ها، ناآرامی‌های روانی، اجتماعی و... را در پی داشته و تنها راه چاره انسان از در امان ماندن از این عوارض، این است که گمشده اساسی خود، که همان معنویت و هویت دینی است را هر چه زودتر بیابد به هویت حقیقی خویش پی ببرد. روش ما نیز در این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این مقاله به تعریف و تبیین هویت، هویت دینی و ارکان سازنده آن و همچنین به نقش و کارکرد دین در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی پرداخته و ابعاد مختلف آن را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

واژه‌های کلیدی: معارف دینی، هویت، هویت دینی و کودکان

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که انسان فطرتاً خداجو آفریده شده است و میل و گرایش باطنی به خدا دارد. به عبارتی از آموزه های ذاتی مختص انسان که تعبیر به فطرت می شود در سه بعد معرفتی و شناختی، گرایشی و توانشی به ترتیب در انسان حس خدایابی و میل به خداگرایی و توانایی قرب الی الله وجود دارد که در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است. انسان فطرتاً خداجوست و هویت هر فردی با دین و اعتقاد به خدا آمیخته است. البته این امر به صورت بالقوه بوده و نیاز به شکوفایی و فعلیت دارد، همانطور که بین خودشناسی و خداشناسی ملازمه وجود دارد، بین خود فراموشی و خدا فراموشی هم ملازمه هست و این حکایت از شناخت فطری و علم حضوری به خداست (احدی، ۱۳۸۰).

به عبارتی هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می تواند با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزشها و باورها، هدفمندی و جهت دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه های مختلف فردی (هویت دینی به عنوان مکتب خودسازی و انسان سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می بخشد. هویت دینی اگر تقویت شود باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی نیز می شود چرا که اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می انجامد و خداوند بذر محبت و انجذاب وی را در قلوب دیگران می پاشد و مضافاً این که هویت دینی زندگی را معنادار کرده و از پوچ گرایی و نیهیلیسم و بی معیاری و بی هدفی می رهانند، یعنی معناداری زندگی و هدفمندی فرد و جامعه در پرتو اعتقاد به خدا و دین او شکل می گیرد، چنان که چنین فردی خود را مسؤولیت پذیر و متعهد دانسته و نسبت به رعایت حقوق حق الله، حق النفس و حق الناس ملتزم می سازد و از سویی ارزش های اخلاقی و قوانین اجتماعی و حقوقی را ارج نهاده و آنها را در خود به شکل هنجار درمی آورد. در سایه هویت دینی می توان به هویت های دیگر مانند هویت شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و تمدنی جهت داد. این بدان دلیل است که دین، روش و برنامه زندگی است و می تواند با شایستگی کامل، همه هویت ها را پیرامون خود گرد آورد. در جهان معاصر، رفتار انسان در قالب تکنولوژی رفتار و مهندسی ژنتیک در حال دگرگون شدن است و زندگی اخلاقی و دینی هر لحظه با انحلال ارزش ها و اسطوره های مقدس، تهدید می شود. باورهای محکم دینی از جایگاه والای خود کنار گذاشته می شوند و اندیشه های ساختگی بشر، جای آن را می گیرند (باقری، ۱۳۹۲).

یکی از مهم ترین هدف های فرهنگی قدرت های استکباری، دور کردن نسل نوجوان و جوان جوامع به ویژه جوامع اسلامی از هویت دینی است. آنها به این منظور با روش های مستقیم و غیرمستقیم و استفاده از ابزارهای گوناگون می کوشند کودکان و نوجوانان را از هویت دینی شان دور کنند و هویت های ساختگی خود را به جای آن قرار دهند.

اگر نسل نوجوان و جوان، به درک درستی از هویت دینی خود برسند، توان مقابله با این فشار تهاجم یک جانبه را خواهند داشت. در این میان، متولیان تربیتی؛ یعنی پدر و مادر، مربیان و رسانه های فرهنگی، وظیفه خطیری دارند. آنان باید در دوران کودکی، مقدمات رشد هویت دینی و اخلاقی نوجوان و جوان را فراهم کنند. در آینده با تمرین و اجرای روش های منظم و مرتبط با سطح شناخت کودک، می توان او را در به دست آوردن هویت دینی یاری رساند. در غیر آن صورت، زمینه های رشد رفتارهای ضد اخلاقی و دینی در وی فراهم می شود (کاظمی، ۱۳۸۷).

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش متون و معارف دینی در شکل گیری هویت کودکان می باشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ادیان و حیانی به ویژه دین اسلام بر صعود آدمی به سمت کمال معنوی تأکید می کنند. در نگرش دینی، هر فردی وظیفه دارد در سطح نظری، آموزه های دینی را به فرزندان خود بیاموزد و روش زندگی فرزندان خود را بر اساس آن جهت دهی کند تا هویت دینی مطلوب در وجودش تقویت شود.

هویت دینی

گرایش به عشق و پرستش از نیازهای فطری آدمی است. به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، تمایل به عبادت و بندگی خدا را در درونش احساس می‌کند. هویت دینی، فواید بسیاری دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم. اولین و مهم‌ترین دستاورد این هویت، یافتن پاسخ برای پرسش‌های بنیادین و عمیق آدمی است. پرسش‌هایی که اگر بی‌پاسخ بمانند، بحران هویت و مشکلات پس از آن، انسان را دچار سردرگمی می‌کند. دین‌داری و دین‌مداری، نه تنها پاسخ به یک نیاز فطری است، بلکه بر روابط اجتماعی نیز اثر می‌گذارد؛ زیرا فطرت‌های پاک و زلال و خدایی، آنها را که موحد و خداجویند، بیش از دیگران، مورد اعتماد می‌دانند، هر چند خود به دلایل آن آگاه نباشند (افروز و همکاران، ۱۳۸۵).

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ.

کسی که رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او را با مردم اصلاح می‌کند.

یکی دیگر از آثار هویت دینی، معنا بخشیدن به جهان است. ویلیام جیمز در تحلیل نقش دین می‌نویسد:

وقتی که خدا را در همه چیز ببینیم، در پست‌ترین چیزها، عالی‌ترین حقایق را در خواهیم یافت. در حقیقت، دنیا، دنیای دیگری جلوه خواهد کرد (برک، ۱۹۹۵).

ابعاد و عوامل رشد اخلاقی و دینی از دیدگاه مکتب‌های روان‌شناسی

یک - دیدگاه روان‌تحلیلی

شاید مهم‌ترین بخش نظریه زیگموند فروید، تقسیم‌بندی او درباره شخصیت انسان است. او می‌گوید شخصیت انسان از بخش «نهاد»، «من» و «فرا من» تشکیل می‌شود. «نهاد»، نیرویی است که شخص را به ارضای فوری نیازها و خواسته‌های بدنی وادار می‌کند. «من»، عنصر یا مؤلفه‌ای است که بیشتر از روش عقل یا منطق پیروی می‌کند و از نخستین سال زندگی، رشد من آغاز می‌شود. سرانجام در میان سال‌های سوم و چهارم زندگی، «فرا من» یا «مأمور اخلاقی» شخصیت رشد می‌کند و کودک، معیارهای خیر، شر یا حق و باطل و درست و نادرست را می‌آموزد. در باور فروید، چگونگی مراحل رشد و تکامل انسان، به ویژه رشد روانی - جنسی، تابع عوامل ارثی و ژنتیکی است که این ویژگی را همگانی می‌داند. وی پنج سال اول زندگی را مهم‌ترین دوره تشکیل و رشد شخصیت می‌شمارد. کودک در همان سال‌ها، پنج مرحله از رشد را می‌پیماید و تنها دو مرحله دیگر را در سال‌های بعد پشت سر می‌گذارد. دیدگاه روان‌تحلیلی، رشد و تکامل اخلاقی در کودکان را نتیجه فرآیندهای همانندسازی می‌داند که یکی از ویژگی‌های «فرا من» است. کودک هنگام آغاز رشد «من» در شخصیت و سپس در رشد «فرا من» با ناکامی‌ها و تضادهای اخلاقی گوناگونی روبه‌رو می‌شود؛ به این معنا که از یک سو بر اساس اصل لذت‌جویی، به ارضای خواسته‌ها می‌پردازد و از سوی دیگر، بخش «فرا من» با امر و نهی از او می‌خواهد که ارزش‌های اخلاقی یا اجتماعی را برتر بداند. در اینجا، اگر کودک کارهای اخلاقی را با موفقیت انجام دهد، رضایت وجدان، خدا، والدین، جامعه و دیگران را جلب می‌کند. در غیر این صورت، اگر ناکام شود، مجازات خواهد شد که پی‌آمد آن، عذاب وجدان، خشم الهی، ناراحتی والدین، طرد از سوی جامعه و دیگران خواهد بود. فروید معتقد است کودکان پیش‌دبستانی، به شیوه همانندسازی با پدر و مادران خود که معیارهای اخلاقی آنها را می‌پذیرند، «فرا من» را شکل می‌دهند. آنان برای پرهیز از گناه، از «فرا من» خود پیروی می‌کنند که به طور عمده در ۵ تا ۶ سالگی تشکیل می‌شود (توسلی، ۱۳۸۰).

هارمز از آنجا که احساس می‌کرد محتوای عقلانی دین در تجربه دینی دخالت کمی داشته باشد، روش‌های غیرکلامی را برای بررسی دین از دیدگاه کودکان طرح‌ریزی کرد. وی پس از انتخاب شمار زیادی از کودکان ۳ ساله تا نوجوانان تازه بالغ، از آنها خواست خدا یا برترین موجودی را که در نظر دارند، تصور کنند. سپس به آنها گفت آنچه را در ذهن دارند، بر روی صفحه کاغذ بکشند و نظر خود را در این زمینه، پشت صفحه نقاشی بنویسند. خردسالانی نیز که نقاشی و نوشتن نمی‌دانستند، مطالب خود را به معلمان بیان می‌کردند. در گروه ۳ تا ۶ سال و نیز ۷ تا ۱۲ سال هر کدام ۸۰۰ نقاشی و از گروه سنی ۱۲ به بالا ۴۰۰۰ نقاشی ارزیابی شد. هارمز پس از تحلیل نتایج، سه دوره را در رشد اخلاقی و دینی کودکان مشخص کرد:

دوره اول - دوره دینی داستان‌های پریان که ۳ تا ۶ سالگی را دربرمی‌گیرد؛

دوره دوم - دوره واقعی که ۷ تا ۱۲ سالگی را دربرمی‌گیرد؛

دوره سوم - دوره فردی که از ۱۲ سالگی به بعد را دربرمی‌گیرد.

کودکان در دوره نخست، هماهنگی بیشتری با دیگر دوره‌ها دارند. آنها خدا را مانند یک پادشاه و پدر همه کودکان تصور می‌کنند که در خانه‌ای بر روی ابرها یا ساخته شده از ابر یا ابری به شکل حیوان شناور در آسمان زندگی می‌کند که بالای آن نام خدا نوشته شده است. در دوره دوم، تصویرها، نشان‌دهنده ثبات احساس بیشتری است. کودکان در توضیح‌های خود، واقع‌نگری بیشتری نشان دادند. در این مرحله، نمادها پدیدار می‌شوند و خداوند به عنوان یک پدر، حتی در کنار فرشته‌ها و موجودات مقدس در هیئتی پوشیده و سرّی نمایش داده نمی‌شود، بلکه با ترکیب یک انسان در زندگی واقعی تصور می‌گردد. در دوره فردی، دگرگونی وسیعی در تفسیرهای کودکان نسبت به خالق جهان به وجود می‌آید. آنان در این دوره، از دین و مذهب، عناصری را برمی‌گزینند که نیازها و انگیزه‌های آنان را ارضا کنند. بر این اساس، هارمز در آموزش دینی پیشنهاد می‌کند که آموزش دینی خردسالان باید با کوشش بسیار منطقی برای درک مفهوم پروردگار همراه باشد. به باور او نظریه‌های عقلانی و آموزشی باید دیرتر استفاده کرد؛ زیرا رشد دینی کودک، سرعتی بسیار کندتر از رشد او در زمینه‌های تجربی‌اش دارد (یونگ، ۱۳۷۷).

رونالد گلدمن در دهه ۱۹۶۰، پژوهش‌های گسترده‌ای را درباره رشد تکامل‌تفکر دینی کودکان آغاز کرد. کتاب وی به نام تفکر دینی از کودکی تا بلوغ در سال ۱۹۶۴ و کتاب دیگر وی به نام آمادگی برای دین در سال ۱۹۶۵ به چاپ رسید که در آنها کوشید یافته‌های خود را برای معلمان تفسیر و پی‌آمدهای آن را در آموزش دینی روشن کند. وی معتقد است تأخیر در رشد هویت دینی می‌تواند نشان‌دهنده دو عامل مرتبط به هم باشد؛ عامل اول اینکه تفکر دینی به این موضوع بستگی دارد که بیش از فهم زبان دینی، تجربه‌های کودکان غنی شود. بنابراین، چنین تأخیری ضروری به نظر می‌رسد تا در آن، دانستنی‌های کافی زندگی برای ایجاد احساسی نسبت به داستان‌های مذهبی به دست آید. دوم اینکه این تأخیر ممکن است به سبب اختلال فکری کودک در زمینه مسائل دینی پدید آمده باشد که این را باید نتیجه آموزش ضعیف یا بی‌موقع دانست. اطلاعات پیش از موقع و فراتر از درک کودک، او را برای مدت طولانی در گونه‌های عینی تفکر متوقف می‌کند؛ زیرا نمی‌تواند کار دیگری انجام دهد (کریچ، ۱۹۸۹).

نظریه‌های اندیشمندان مسلمان در خصوص هویت

از آموزه‌های اسلام که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند، درمی‌یابیم که انسان باید به رشد و تکامل معنوی در همه جنبه‌های زندگی دست یابد. به عبارت دیگر، باید در زندگی، به هویت دینی مطلوب فردی و اجتماعی برسد. برای رسیدن به این مقام، باید در دوره‌های آغازین زندگی افراد، زیربنای محکمی فراهم کرد تا فرد در جوانی و بزرگسالی بتواند هویت مورد نظر خود را به دست آورد. آنچه از مطالعه و بررسی نظریه‌های اندیشمندان مسلمان به دست می‌آید، توجه دادن متولیان تربیتی به مسئله تربیت در سال‌های آغازین زندگی است. در این قسمت، به بیان نظریه‌های برخی اندیشمندان مسلمان درباره عوامل رشد هویت دینی و اخلاقی می‌پردازیم.

الف) ابوعلی سینا

یکی از مسائلی که در زمینه آموزش، به ویژه آموزش دینی اهمیت دارد، زمان و دوره آغاز آن است. بعضی از والدین و مربیان به اشتباه می‌پندارند برای شکل‌گیری هویت دینی، مقدمات آن را باید از دوره نوجوانی فراهم کرد. آنچه با پژوهش‌های گوناگون صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی به اثبات رسیده، اهمیت دوران کودکی و نوجوانی در شکل‌گیری هویت دینی مطلوب است. یکی از مبانی تربیتی اندیشه ابوعلی سینا، اهمیت آغاز آموزش دینی پیش از هجوم مسائل غیراخلاقی است. او معتقد است پس از پایان دوره شیرخوارگی باید مقدمات آن فراهم شود (مدنی، ۱۳۸۸).

ب) محمد غزالی

در آثار ابو حامد محمد غزالی (۴۵۰ ه. ق) می‌توان به نکته‌های جالبی درباره رشد دینی در کودکی و نوجوانی اشاره کرد. والدین به عنوان مسئولان اصلی تربیت کودک، در شکل‌گیری هویت دینی او نقش مهمی دارند. آنها باید در کنار آموزش صحیح دینی، به آموزش‌های دینی عمل کنند تا فرزندانشان با الگوگیری صحیح، به تقلید بپردازند. هنگامی که والدین، نکته‌ای را به کودک آموزش بدهند، ولی خود به آن عمل نکنند، پذیرش این مسئله برای کودک دشوار خواهد بود. در این میان، به نیازهای دوره کودکی نیز باید توجه کنند.

در دوره کودکی، آموزش مبانی دینی به واسطه الگوگیری همراه با تشویق صورت می‌پذیرد، ولی در دوره نوجوانی با رشد احساس استقلال، آموزش به آسانی انجام نمی‌شود. در این دوره، والدین و مربیان باید با روش‌های مناسب همراه با درک استقلال نوجوان به این کار بپردازند. متأسفانه در بعضی خانواده‌ها فقط به آموزش دوران کودکی پرداخته می‌شود. والدین از اینکه کودک در بعضی مسائل دینی کوشاست، از آنها خرسند و همین برای آنان کافی است. پس به دیگر نیازهای دوره نوجوانی توجه نمی‌کنند. به همین دلیل، رشد هویت دینی متوقف می‌شود یا سقوط می‌کند. بدان که کودک امانتی است نزد مادر و پدر خود و دل پاک او گوهری نفیس است و ساده و خالی از همه نقش‌ها و صورت‌هاست و قبول‌کننده همه نقش‌هاست به هر طرف که گردانده شود. پس اگر بر خیر عادت داده شود، رشد او بر آن باشد و در دنیا و آخرت نیک‌بخت شود و والدین و معلم ادب‌کننده در ثواب او شریک باشند. اگر به بدی عادت داده شود، بدبختی و هلاکت ابدی نصیب او می‌گردد و خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا؛ خودتان و اهل و خانواده‌تان را از آتش دوزخ دور نگه دارید». (تحریم: ۶) وی معتقد است که از ابتدای زندگی فرزندان باید مقدمات تربیت دینی فراهم شود. او حتی به این نکته اشاره کرده است که شیر دادن نوزاد باید به وسیله زنی باتقوا و حلال‌خور صورت گیرد (کاظمی، ۱۳۸۷).

ج) خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیر نیز مانند ابن‌سینا معتقد است که نام نیک در روحیه کودک مؤثر است. به این ترتیب که اگر نامی ناخوشایند برای کودک برگزینیم، در طول عمر از آن نام ناخشنود خواهد بود. وی در بعضی از کتاب‌هایش، شروع تربیت اخلاقی و دینی را زمانی می‌داند که اگر آغاز نشود، اخلاق در کودک تباه می‌گردد. بنا بر این اصل، در هر زمانی که بیم آن برود کودک در مسیر آفت‌های اخلاقی و اندیشه‌های ضد دینی قرار می‌گیرد، باید تربیت دینی آغاز شود (نوربخش، ۱۳۹۲).

د) مولوی

مولوی، روش الگو برداری را در قالب تمثیل زیبایی بیان می‌کند و این روش را به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نسبت می‌دهد. حکایت چنین است که زنی سرآسیمه نزد امام علی علیه‌السلام رفت و گفت: «اماما! کودکم بر ناودان ساختمان رفت و هر چه او را می‌خوانم، گوش نمی‌کند و اینک در خطر سقوط است و رهایی فرزندم تنها به دست شما صورت می‌گیرد.» امام فرمود: «کودک دیگری را به بام ببر تا اینکه کودک تو رهایی یافتن را از او الگو برداری کند.» مادر چنین کرد و فرزندش از خطر سقوط رهایی یافت. آنچه باید مورد توجه متولیان تربیتی قرار گیرد، این است که محیط تربیتی کودک و نوجوان باید دارای الگوهای مناسبی باشد تا ارزش‌های اخلاقی با روش الگویی آموزش داده شود. به جز آن، الگوهای نامناسب را نیز باید از آنها دور نگه داشت که بهترین کار در این نوع موقعیت‌ها - در صورتی که نتوان الگوهای نامناسب را حذف کرد - تغییر محیط کودک و نوجوان است (کاظمی، ۱۳۸۷).

نقش نماز در شکل‌گیری هویت

نماز به عنوان یک فریضه الهی، کنشی هویت‌بخش است و در درجه اول به یک بنده مومن که فقط در مقابل خدا سر طاعت فرود می‌آورد، هویت دینی می‌بخشد. تسلیم و طاعت در برابر خدا مستلزم ایستادگی در مقابل هرگونه نظام سلطه است که آزادی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. بنابراین سجده و طاعت در برابر ذات اقدس الهی مستلزم آزادی از هرگونه نظام سلطه ای است که انسانها را به بند می‌کشد. نماز به عنوان نماد بندگی انسان در مقابل خدا با نیت قربه الی الله آغاز می‌گردد و خداوند به بزرگی و عظمت یاد می‌شود (الله اکبر). اوست که پدیده‌ها و انسان را هستی بخشیده و بازگشت همه به سوی

اوست. عبارت الله اکبر ۸۵ مرتبه در نمازهای یومیه تکرار می گردد و در آن ضمن یاد کردن خدا به عظمت و بزرگی خط بطلان کشیدن بر طاغوت و هرگونه ساختار سلطه گری است که انسانها را بر خلاف فطرتشان که آزادی از بندگی غیرخدا خلق شده اند، به بند می کشاند. آنجا که در سوره حمد "الحمد لله رب العالمین" می گوئیم، بر پرورش و آفرینش هستی و جهان به دست مقتدر خداوند تاکید می نماییم و بر هویت بندگی خود در مقابل خدا تاکید می نماییم. خداوند سایه رحمتش را بر همگان گسترده و در توبه را بر روی غفلت کنندگان باز گذاشته. نماز گزار تنها چنین خدایی را پرستش می کند و تنها از وی کمک می خواهد. فریضه نماز ضمن اینکه یک کنش فردی جهت ارتباط با ذات اقدس الهی است دارای سوبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی نیز می باشد. همگرایی این مولفه های متأثر از نماز منجر به ایجاد یک هویت مشترک برای تمام برپا دارندگان این فریضه الهی می گردد که برخی از آنان تبیین می گردد. هویت دینی، خود مولفه ای از واحدی بزرگتر به نام هویت فرهنگی است. در تکاپوی هویت بخشی دین به نسل جوان نمی توان حرکت را با انقطاع شروع کرد و از گذشته تاریخی و فرهنگ کهن یک ملت برید. بنابراین در تکاپوی کمال به سوی آینده از منظر فرهنگی باید نگاهی به گذشته داشت. بستر مهم رودخانه هویت ایرانی، دین است. ایرانیان همیشه ذهن مشغول و دل نگران دین بوده اند و می کوشند که در زندگی شان خدا به وجهی حاضر و ناظر باشد. هویت دینی اساس انسجام جامعه ایرانی در طول تاریخ بوده است. منجی عدالت گستر و دولت عدالت پیشه نیز آرمان ایرانیان خصوصاً در شکل تشیع آن بوده است. با نگاهی به گذشته این امر مبرهن و آشکار است که هرگونه موج دین ستیز که در جدال با هویت دینی ایرانیان بوده با شکست مواجه گردیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، دین به کانون وحدت و هویت ملت ایران تبدیل گردید. شعارهای آن روز که از رسانه ملی و از زبان جوانان ایرانی شنیده می شد غالباً حول کانون دین است. شهادت در راه دین و الگوپذیری از امام حسین(ع) که در کربلا و به دست دشمنان دین اسلام به شهادت رسید، گفتمان حاکم در هنگامه جنگ تحمیلی بود شهادت طلبی و آرزوی لقاء الله فقط با داشتن مبانی دینی است که مفهوم پیدا می کند و ملتی در پی شهادت است که هویت دینی داشته باشد(نوربخش، ۱۳۹۲).

نقش مسجد در شکل گیری هویت

مسجد با تقویت روابط اجتماعی سالم، با فراهم کردن رشد علمی و فرهنگی و دادن آگاهی های لازم به کودک و نوجوان و همچنین با بیدار کردن فطرت الهی، زمینه شکل گیری هویت اجتماعی سالم برای افراد، خصوصاً کودک و نوجوان را فراهم می کند. وقتی کودک و نوجوان یا جوان از هویت اجتماعی صحیحی برخوردار نباشد برای پرکردن این خلأ شخصیتی، به راه های انحرافی و مدل های غلط هویتی روی می آورد. گرایش به گروه های: «رپ یا متال یا شیطان پرستی و ...» همه نمونه هایی از این مسئله اند. مسجد، به عنوان یک نهاد عبادی و اجتماعی فعال در متن جامعه اسلامی، نقش بسزایی در شکل گیری افراد جامعه، به ویژه نوجوانان و جوانان دارد. که در این قسمت به تحلیل این نقش مسجد می پردازیم. برای این منظور روایت شریفی را که به امام علی(ع) در بیان اثرات ارتباط مستمر با مسجد می فرماید:

کسی که به مسجد رفت و آمد می کند، یکی از منافع هشت گانه نصیب او می شود: برادری مفید و با ارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم (برای تثبیت عقاید)، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می شود]، یا مواظبی که او را از فساد و گناه بازدارد، [می شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می کند.

در کلام گهربار امام علی(ع)، هشت ثمره مهم برای رفت و آمد مستمر در مسجد و به تعبیری "اهل مسجد بودن" ذکر شده است. با دقت در این امور نحوه اثرگذاری مسجد در شکل گیری هویت اجتماعی افراد، به ویژه نوجوانان و جوانان که در مرحله شکل گیری و تثبیت هویت اجتماعی اند به خوبی روشن می شود. انسان موجودی اجتماعی و به قول حکما، مدنی الطبع است. براین اساس، انسان ناگزیر از داشتن روابط اجتماعی با افراد مختلف با عناوین مختلفی چون خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و... است. روابط دوستی، از مهم ترین روابط اجتماعی انسان، است. داشتن دوستان مناسب باعث سلامت روحی و هویت اجتماعی مناسب انسان است. به ویژه در دوره کودکی، نوجوانی و جوانی افراد به شدت تحت تأثیر محیط دوستان خود هستند.

امام علی (ع) اولین اثر ارتباط با مسجد را یافتن دوستان و برادران دینی مطرح می‌فرمایند. دوستی‌ای که بر محور دین و بندگی خدای متعال شکل گیرد دوستی‌ای است که پایدار و به دور از هر گونه دغل و انحراف است. این دوستی ایمانی در شکل دادن به هویت اجتماعی نوجوان و جوان قابلیت بالایی دارد. هویت اجتماعی با محوریت ملاک‌های دینی و الهی. نکته درخور توجه این که: بسیاری از نمازگزاران که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند می‌توانند مبلغ عملی مسجد و نماز جماعت باشند و با بیان لذایذ معنوی، همسالان خود را به این امر ترغیب و تشویق کنند، زیرا جوانان در موقع ورود به مسجد اعمال خویش را ارزیابی می‌کنند و با دیدن همتایان خود در مسجد در تصمیم خود مصمم‌تر می‌شوند. در روایت مزبور، دومین و سومین ثمره ارتباط با مسجد، یادگیری علوم نافع و اعتقادات صحیح ذکر شده است. یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در هویت اجتماعی انسان، اعتقادات دینی و آشنایی با فرهنگ صحیح زندگی و به طور کلی علم و آگاهی است. علم به تاریخ پرافتخار اسلام، علم به آموزه‌های بسیار مترقی اجتماعی دین، علم به ارزش و جایگاه هویت ملی، علم به ضوابط درست زندگی اجتماعی و... از این قبیل است. مسجد از ابتدای شکل‌گیری آن به عنوان یک کانون آموزش و یک دانشگاه مطرح بوده است. تشکیل جلسات تفسیر قرآن، آموزش احکام و مسائل شرعی، آموزش اعتقادات اسلامی، بیان تاریخ اسلام و ایران، دشمن‌شناسی و... آموزش‌هایی است که در مسجد با محوریت امام جماعت مسجد انجام می‌شود و این آموزش‌ها تأثیر بسیار بالایی در شکل‌گیری هویت اجتماعی سالم افراد دارد. در روایت یادشده، چهارمین اثر ارتباط با مسجد، قرار گرفتن در معرض رحمت الهی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رحمت الهی، بیداری فطرت الهی انسان‌ها در اثر عبادت و معنویت باشد. مسجد کانون عبادت و توجه دادن انسان به مقام عبودیت و بندگی است. افرادی که توجه بیشتری به این فطرت الهی خود دارند و از مقام انسانیت خود آگاه هستند، در صحنه اجتماع نیز رفتاری متناسب با هویت الهی خود دارند و خود را به هر کار و رفتاری آلوده نمی‌کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ لَمْ يَضَعْ بَيْنَ النَّاسِ» هر کس مرتبه و ارزش خود را بشناسد، آن را میان مردم تباه نمی‌کند.

پنجمین و ششمین اثر ارتباط با مسجد، شنیدن مواظظ اخلاقی است که سبب هدایت به مسیر درست زندگی و دوری از راه‌های انحرافی است. مسائل اخلاقی هر فرد و جامعه اثر بسزایی در هویت اجتماعی آن فرد یا جامعه دارد. به طور مثال فردی که دچار بیماری اخلاقی، مانند تکبر و خود پسندی باشد، مشخصات اجتماعی او به گونه‌ای است که دچار انزوا و از دست دادن اطرافیان خواهد بود و در برقراری ارتباط با اطرافیان خود دچار مشکل خواهد شد. اما فردی که از تواضع و دگردوستی برخوردار است، هویت اجتماعی وی به گونه دیگری است. فرد یا جامعه‌ای که دچار روحیه منفی خودباختگی است، هویت اجتماعی آن فرد یا اعضای آن جامعه به گونه‌ای است که در برابر فرهنگ‌های مهاجم توان مقابله نخواهد داشت و ستم‌پذیر خواهد بود. چنان که بیماری جامعه و قوم فرعون از نگاه قرآن همین بوده است. مسجد با احیای جلسات وعظ و اخلاق می‌تواند کمک شایانی به شکل‌گیری صحیح هویت اجتماعی کودک و نوجوان داشته باشد. موعظه، راه هدایت را به انسان می‌نمایاند و راه گمراهی را به انسان می‌شناساند. مسجد بهترین مکانی است که می‌تواند راه هدایت و ضلالت را به جوانان نشان دهد تا دچار بحران هویت یا هویت ناپسند اجتماعی نشوند. در بخش پایانی حدیث مزبور، به یک حقیقت روان‌شناختی اشاره شده است: افرادی که با مسجد ارتباط مستمر داشته باشند، به لحاظ اجتماعی جایگاهی پیدا خواهند کرد که بسیاری از رفتارهای غلط یا خلاف شرع یا خلاف عرف جامعه اسلامی را ولو به خاطر حیا، ترک خواهند کرد و این در سلامت ظاهر جامعه اسلامی که خود از جلوه‌های هویت اجتماعی است، اثرگذار است. به تعبیر دیگر ارتباط با مسجد باعث به وجود آمدن نوعی کنترل همگانی بین مسلمانان خواهد شد. ارتباط با مسجد، خصوصاً در سنین کودکی و نوجوانی، نوعی شخصیت و هویت مذهبی اجتماعی برای شخص به وجود می‌آورد که همین هویت مانع ارتکاب رفتارهای ناشایست است (توسلی، ۱۳۸۰).

نقش قصه‌های قرآنی در شکل‌گیری هویت

قصه و داستان‌گویی مهم‌ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت‌ها و قصه‌ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان‌های و سرگذشت‌های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره‌برداری کرده

است. قرآن کریم همواره به عنوان چراغ روشنایی بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه‌های مختلف همچون: انداز، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصه، در پی این بوده است که قاطبه انسان‌ها را به سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آنها و ذکر علت گرفتاری‌ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آنها، تأثیر به‌سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه‌های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه‌های خاص تاریخ نقش بسته است. قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه‌های آشکار این امر به شمار می‌آید؛ چنان‌که پروردگار عالمیان قصه‌ها را برای جامعه انسانی نوعی عطیة الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت‌های پیشین نقش بسته است، به انسان آگاهی می‌بخشد، نشان از رستگاری بشر و دلایل روشن انبیاء در برابر جبهه باطل می‌دهد، آدمی را به اندیشه و تفکر فرامی‌خواند تا با تعمق در سرنوشت گذشتگان و پیشینیان با خردورزی عبرت گیرد و آموزه‌های خود را در ترسیم راه صحیح زندگی به کار بندد. سرانجام نیز خداوند تأکید می‌ورزد که قصه‌ها راست و درست هستند و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قویدل و در راه خود راسخ و سخت می‌سازد؛ از این رو قصه‌ها در قرآن از مقام رفیعی برخوردارند. در حقیقت پروردگار بر این زبان، بیان و قالب مؤثر انتقال مقصود صحنه‌گذارده و آن را برای طرح معارف زلال و حکمت‌های رسای آفرینش انتخاب نموده است؛ چنان‌که تاریخ بشر نیز نشان داده قصه در عرصه تمدن بشری نقش ویژه‌ای داشته است. داستان‌ها همواره زبان گویای آدمی در انتقال تجارب تمدن‌ها و امت‌ها، تبیین آرمان‌ها و اندیشه‌ها و طرح مفاهیم بلند ذهن کوشگر و پویشگر انسانی بوده‌اند؛ بنابراین بدیهی است از این نقش و تأثیر در متن وحی بهره گرفته شود و در راستای اهداف والای آگاهی، هدایت و تربیت فرد و جامعه انسانی موردنظر قرار گیرد (ملبوی، ۱۳۷۸).

نتیجه‌گیری

معنویت از مفاهیم کلیدی و اساسی آموزش‌های ادیان الهی است که بررسی آن از ابعاد گوناگون و با اهداف مختلف چالش‌های متعددی را در پی داشته است. از مباحث و انشعابات این حوزه در عصر حاضر بحث معنویت برای کودکان است که در سطح جهانی دنبال می‌شود.

آموزش‌های معنوی از کودکی به منزله ضرورتی پیش روی برخی متولیان مباحث معنوی و اخلاقی است، اما آنچه مسلم است اهمیت ویژه این بحث در عرفان اسلامی و رویکرد ویژه علما و عرفای بزرگ اسلامی است. توجه به ابعاد مختلف انسان و به رسمیت شناختن بعد غیرمادی و تفسیر و توصیف آن همواره مدنظر عرفای اسلامی بوده است. آنچه در انسان‌شناسی این بزرگواران مطرح و موردتوجه است چگونگی نیل به درجات بالای انسانی و معنوی باتوجه‌به ماهیت و چیستی انسان است طبیعی است که آموزش‌های معنوی با عنوان و طبقه‌بندی کودک در آرای ایشان یافت نمی‌شود، ولی باتوجه به دو مرحله دانستن سیر تکامل معنوی انسان می‌توان مرحله‌ای را که به طور معمول در سن کودکی واقع می‌شود شناسایی و آرای مربوط به معنویت برای کودکان را در آثار عرفان اسلامی ردیابی کرد.

انسان برای رسیدن به کمال و قرب به حق آفریده شده است. خداوند نیز پیامبران و اولیای الهی را با برنامه جامع سعادت به میان انسان‌ها فرستاد تا با پیروی از آن بزرگواران به سعادت حقیقی دست یابند. در این میان، هویت دینی، پدیده‌ای است که به تدریج و در پی عمل به آموزه‌های وحیانی به دست می‌آید. بحران هویت که امروزه گریبان‌گیر انسان غربی شده، برآیند دیدگاه مادی‌گرایانه انسان به زندگی و بی‌توجهی به پدیده وحی و دین است. نسل جوان بیشتر از دیگران با بحران هویت روبه‌رو است. با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب‌زا در نسل جوان می‌توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال‌های کودکی و نوجوانی، زمینه‌ساز بی‌هویتی آنان می‌شود. بی‌شک، اگر افرادی در آغاز دوران کودکی و در ادامه، در سال‌های نوجوانی، از آموزه‌های دینی بی‌بهره بمانند و متولیان امور تربیتی مانند خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان بی‌توجه باشند، تصور صحیحی از هویت دینی به دست نخواهند آورد. عوامل شکل‌گیری هویت دینی و در پی آن، پیدایش بحران هویت، گونه‌گون است.

منابع

- احدی، حسن و دیگران، ۱۳۸۰. روانشناسی رشد، تهران، چاپ پردیس؛ ۲۵.
- باقری، محمد حسین. ۱۳۹۲، معمای هویت، روزنامه همشهری، ۲۳۵۴.
- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۸۷. بحران جامعه مدرن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
- افروز، غلامعلی و خانبانی؛ مهدی و جمشیدیان، رسول، نقش قصه‌گویی در پرورش و تقویت فرهنگ ملی- مذهبی؛ یزد: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵.
- مدنی بجستانی، محمود؛ قصه در قرآن؛ قابل دسترس در سایت تبیان به آدرس: ۱۳۸۸.
- محبوبی، محمد تقی؛ روان‌شناسی قصه در قرآن؛ کتاب ماه مهر، شماره ۱۲، ۱۳۷۸.
- یونگ، ک، ۱۳۷۷. روانشناسی دین، ترجمه سروری، تهران انتشارات سخن.
- توسلی، م. ۱۳۸۰، جامعه شناسی دین، تهران، نشر سخن.
- نوریخ، ۱۳۹۲. تأثیر انواع رسانه ها بر دین داری دانشجویان دانشگاه ها، مدیریت در دانشگاه اسلامی
- Berk. Laura E. (1995), *Infant, Children, Adolescents* Boston : Allyn & Bacon;
- Craig. Gracey. (1989), *Human Development fifth editon*. New York: Prentice Hall;
- Dimatteo, M.Robin (1991), *The Psychology of Health*, colifornia:
- Liebert. Robert M. Spiegler. Michal D (1987), *Personality strategies & Issues*. Sixth edition. California: Brooks Cole;
- Arnett, J. J, 2007, "Afterword: Aging out of care -Toward realizing the possibilities of emerging adulthood", *New directions for youth development*, p. 151-161.
- Brady, L. L, & Hapenny, A, 2010, Giving back and growing in service: Investigating spirituality, religiosity, and generativity in young adults, *Journal of Adult Development*, v. 17)3(, p. 162-167.
- Brady, L. L, & Hapenny, A, 2010, Giving back and growing in service: Investigating spirituality, religiosity, and generativity in young adults, *Journal of Adult Development*, v. 17)3(, p. 162-167.
- Elahe Hejazi moughari, Mehrnaz Shahraray, Masomeh Farsinejad, Ali Asgary, identity styles and academic achievement mediating role of academic self - efficacy, *Social Psychology of Education*, 2009, 12, 123- 135. (Persian).